

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

علیرضا تقفی

۰۵ جولای ۲۰۱۵

لغو تحریم‌های ایران و تأثیر آن بر زندگی مردم

لغو تحریم‌های ایران توسط جامعه بین‌المللی ظاهراً روزهای پایانی خود را می‌گذراند، در جریان نزدیک به دو سال مذاکره فشرده بین دولت جدید و گروه ۱+۵ یعنی همان سردمداران نظام سرمایه داری جهانی، روند توافق‌های میان دو طرف، روز به روز بیشتر شده است. این که هر یک از طرفین چه چیز می‌خواهند و آیا در این زمینه دنیای سرمایه داری با کشوری کوچک مثل ایران اصلاً می‌توان از هم آوردی دو طرف صحبت کرد، بحثی است که به مقال دیگر واگذار می‌شود.

اما من ترجیح می‌دهم که این مسأله را مذاکراتی در کل مجموعه نظام سرمایه‌داری بنامم که گویا کل این نظام با یک عضو متخلف از این نظام برخورد می‌کند.

این مسأله را بیشتر می‌شکافم:

در ابتدای آغاز درگیری‌ها میان دو طرف بر سر مسأله هسته‌ای در داخل حاکمیت ایران دو نظرگاه متفاوت وجود داشت و این دو نظرگاه متفاوت عبارت بودند از:

۱ - غرب و جامعه جهانی و به طور کلی نظام سرمایه داری هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، تحریم‌های سازمان ملل کاغذپاره‌هایی بیش نیستند و ما باید راه خودمان را بگیریم و برویم، و با یک دستور پلمب مراکز هسته‌ای را شکستند و به غنی سازی اورانیوم پرداخته و زمینه را برای استفاده‌های نظامی و یا تسلیحاتی از انرژی اتمی فراهم می‌کردند. استدلال هم مشخص بود. شیوه کوریای شمالی جواب می‌دهد، زیرا نظام سرمایه داری نتوانسته بود با کوریای شمالی که وضعیتی مشابه داشت، کاری انجام دهد و در انتها مجبور شده بود کوریای شمالی اتمی را بپذیرد و مذاکرات هم شکست خورده بود. این تفکر از سال‌های ۱۳۸۴ تا سال‌های ۱۳۹۲ تفکر غالب بر حاکمیت ایران است و مخالفان این نظر در همه زمینه‌ها به عقب رانده می‌شوند، از ریاست جمهوری دستشان کوتاه می‌شود، از مجلس اخراج می‌شوند و سران آنان در حصر قرار می‌گیرند و... اتفاقات هشت ساله‌ای که ما شاهد آن هستیم.

۲ - راه دوم هم در حکومتیان همان کنار آمدن با بزرگان نظام سرمایه داری و انتگره شدن و هماهنگی هرچه بیشتر با این نظام است که برخی به اصطلاح معقولان حکومتی پیشنهاد کرده و می‌کنند.

در انتخاب راه اول نئوکان‌ها، جنگ طلبان و محافظه کاران از هر دو سو دست بالا را دارند. انتخاب راه اول یعنی حرکت به سمت نظامی شدن برنامه اتمی امری است که هرچند ظاهری وحشتناک و آینده‌ای تیره و تار دارد اما جنگ طلبانی همانند اسرائیل و محافظه کاران که همواره در پی بحران هستند برای حفظ سلطه خود در منطقه و توجیه توسعه برنامه‌های اتمی و نظامی خود، چندان هم نگران نیستند. زیرا که حیات و تداوم سلطه آنان به جنگ و بحران بستگی

دارد. و این يك همواره وجه ضروری حاکمیت آنان است. اما این امر نیز ضرورت وجودی نظام حاکم سرمایه داری را زیر سؤال می برد زیرا در حقیقت در حاکمیت سیاست‌های این جناح‌های جنگ طلب است که نظام سرمایه داری با نژادپرستی‌های بیشتر مواجه می‌شود و با سیاست‌های جنگ طلبانه و بحران‌زائی سود سرمایه‌ها کاهش یافته و بازار مالی و بورس و مصرف کالاها به حداقل می‌رسد. از آن جهت که دیگر رمقی برای کارگران و زحمت کشان و مزد و حقوق بگیران و کاسب‌های خورده پا باقی نمی‌ماند تا بتوانند کالاها را تولید نظام سرمایه داری را مصرف کنند. محصول این حکومت‌ها میلیون‌ها بی‌خانمان، جنگ زده‌ها، کودکان خیابانی و آلودگنشین‌ها و حلبی آبادها هستند که در یکی دو دهه اخیر شاهد گسترش آنان هستیم.

اما در مقابل بخشی از نظام همین مناسبات با چاره جوئی برای مقابله با مشکلات سقوط به دنبال راه دیگری است. اما چرا حاکمیت ایران راه دوم را برگزید و امکان ادامه راه اول را نداشت. راه اول که همان راه کوریای شمالی است و مورد اشتیاق بخش‌هایی از حکومت بود و دوام و بقای خود را در ادامه آن می‌دیدند. اولین مسأله آن است که راه اول با سیستم اقتصادی حاکم طی سه دهه گذشته در ایران همخوانی نداشت. سیستم اقتصادی حاکم که سه و نیم دهه پیش شعار اصلی اش حمایت از به اصطلاح مستضعفان و کوخ نشینان بود، در مسیر خود آن چنان از شعارهای اولیه فاصله گرفت که شاخصه‌های اصلی نظام سرمایه داری را از بسیاری جهات پشت سر گذاشت.

فاصله طبقاتی ایجاد شده بین ده درصد بالای جامعه و نود درصد مردم آنقدر فزاینده و بالاست که گاه اعتراض خود حکومتیان را درآورده است. استفاده از زرق و برق‌های موجود زندگی برای آن چند درصد وابسته به قدرت و ثروت آنچنان به نسبت جمعیت به صورت نجومی است که گاه حیرت‌آور است و در کنار آن‌ها اختلاس‌های میلیاردی که چند نمونه جدید آن ۳۵ میلیارد دلار در شرکت نفت و ۱۸ هزار میلیارد تومان در منطقه آزاد قشم به رقم‌های ۱۲ هزار میلیاردی در تعاونی نیروی انتظامی و ۱۵۰ هزار میلیاردی در بدهکارهای بانکی، تأمین اجتماعی و غیره اضافه شده است. این سیستم پس از سه و اندی دهه نمای مشخص يك سرمایه‌داری حریص و بی‌لگام را دارد وجود بیش از ۴۰۰ آقازاده در لندن و زایمان عروسان مسؤلان درجه اول و دوم و سوم در زایشگاه‌های مهد سرمایه داری نمی‌تواند تحریم نظام سرمایه داری را تحمل کند.

قشر مسلط موجود در این چند دهه آنچنان به زندگی نظام سرمایه داری وابسته شده است که تشخیص قدرتمداران داشتن خانه ای امن در آن سوی آب‌ها و یا حساب‌های بانکی پر و پیمان در ینگه جات و بانک‌های امن نظام حاکم بر جهان است. این قشر برآمده از سیستم حاکم هیچ گاه نمی‌تواند مدت زیادی تحریم‌های نظام سرمایه داری را تحمل کند زیرا که خود به بخشی از نظام سرمایه‌داری تبدیل شده است بخشی که جزء لاینفک آن است. از آن هنگام که بخش جدیدی از حاکمان و قدرتمداران پای به عرصه حکومت گذاشتند دیگر نه تنها شعارهای اولیه استقلال و آزادی را فراموش کردند بلکه چهار نعل به همگامی و همراهی با این نظام سرمایه داری جهانی روی آورده اند و از آن جا که چه غم طوفان امت را که باشد نوح کشتی‌بان و چه غم وابستگان به نظام سرمایه داری را که این نظام آنان را در آغوش بگیرد، پس باید به هر ترتیب تحریم‌ها برداشته شود. عقب نشینی گام به گام برای همکاری و هماهنگی با نظم و نظام سرمایه جهانی امری غیرمنتظره نمی‌تواند باشد. چرا که اگر کشوری مانند کوریای شمالی ترجیح می‌دهد تا توان نظامی اتمی خود را حفظ کند بدان خاطر است که چه خوب و چه بد ارتباط خود را با نظام سرمایه داری جهانی به حداقل می‌رساند (در این جا اصلاً بحث تأنید و یا رد حکومتی مثل کوریای شمالی مطرح نیست بلکه تنها مقایسه موردی در این قضیه است).

اکنون حاکمان موجود که به تنگنای تحریم‌ها در حال جدال سخت دورنی بودند، همگی چشم به رفع تحریم‌ها دوخته اند تا آن که چه بکنند؟

۱ - بین ۷۰ میلیارد دلار تا ۱۴۰ میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده از ذخایر ارزی و فروش نفت و غیره در انتظار بازگشت به حساب‌های بانکی آن، چند درصد منتظرالدالر است. همان‌ها که سرمایه‌هایشان در دوره تحریم‌ها چند برابر حجیم شد اما امکان انتقال آن را به هر ترتیب که بخواهند ندارند و ممنوعیت انتقال، سد راهی برای گسترش سرمایه‌هایشان است.

۲ - همان‌ها که اکنون سرمایه‌هایشان به حدی حجیم شده است تا بخواهند در مشارکت با سرمایه‌های خارجی وارد شده به گسترش بنگاه‌های بزرگ اقتصادی دست بزنند.

۳ - و همان‌ها که در آرزوی ورود سرمایه‌های بزرگ و مشارکت با آن‌ها سر از پا نمی‌شناسند. و همان‌ها که با تمام توان خود در برابر افزایش حقوق کارگران و زحمت‌کشان می‌ایستند و هر روز طرحی نوین در خصوصی سازی و گران کردن قیمت‌های آب و برق و گاز و تلفون و حمل و نقل عمومی و بهداشت و آموزش و پرورش ارائه می‌دهند تا هر چه بیشتر کارگران و حقوق‌بگیران و مردم تحت ستم را بچلانند و مدام به شرکت‌ها و سرمایه‌های خارجی نوید می‌دهند که بیائید این جا را بهشت سرمایه‌داران کردیم (دیدار نمایندگان صد شرکت المانی از ایران، دیدار مسئولین اقتصادی با شرکت‌های فرانسوی و اروپائی و بازدید اخیر مدیران شرکت‌های امریکائی از ایران و استقبال دو چندان گرم در هتل‌ها و رستوران‌ها) و از همه سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ دعوت می‌کنند که برای استخراج منابع و معادن سرمایه‌گذاری کنند تا سودهای کلان و باد آورده نصیب همه دست اندر کاران نظام سرمایه‌داری شود.

این، یعنی بخش عام سرمایه‌گذاران ایرانی در وحدتی که در سال‌های گذشته با سرمایه‌های خارجی یافته‌اند اکنون در پوسته تنگ تحریم نمی‌گنجد. این پوسته تنگ تحریم باید شکافته شود چه با توافقی زودرس و چند روزه و یا با توافقی چند ماهه و چند ساله.

به این جمله سخنگوی وزارت خارجه آمریکا توجه کنید: این بستگی به دولتمردان ایران دارد که آیا می‌خواهند به جامعه بین‌المللی بپیوندند (یعنی همان نظام سرمایه‌داری جهانی) و با جامعه بین‌المللی روابط خوب و گسترده اقتصادی داشته باشند یا نه. (اخبار ساعت ۹ شب ۹/۴/۹۴ v o a)

آن چه در این میان اصلاً مطرح نیست زندگی مردم و حقوق‌بگیران و آنانی است که تنها چیزی به جز فروش نیروی کارشان ندارند. حال سؤال اینجاست با برداشته شدن تحریم‌ها چه اتفاقی می‌افتد؟

سرمایه‌های شرکت‌های بزرگ وارد می‌شود، پول‌های بلوکه شده آزاد می‌شود، یعنی سرمایه‌های موجود در دست سرمایه‌داران ایرانی که خود حکومتیان و دولتمردان هستند، قرار می‌گیرد. کالاهائی با برندهای خارجی و سرمایه‌ مشترک تولید می‌شود، تجارت رونق می‌گیرد، برای عده‌ای کار ایجاد می‌شود و عده‌ای بیکار می‌شوند. به طور قطع بیکاری کاهش نمی‌یابد زیرا که امروزه حتی کشورهائی همانند ترکیه و یونان و اسپانیا و پرتغال و انگلستان و که هیچ کدام هم تحریم نیستند و حتی خود آمریکا از نرخ بیکاری دو رقمی برخوردارند و به مدد برنامه ریاضت‌کشان و تحمیلی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادهای سرمایه‌داری اوضاع آنها رو به بدتر شدن است و نه بهبودی. پس بیکاری تغییری اساسی نخواهد کرد اما سرمایه‌ها رونق می‌گیرد گردش سرمایه در دستان سرمایه‌داران و آنان که به بازار وابسته‌اند سرعت می‌گیرد. سرمایه‌ها باز هم حجیم‌تر می‌شود و قدرت نظم و نظام سرمایه‌داری افزون می‌گردد. نیروهای پولیس و امنیتی و دستگاه سرکوب اعتراضات به استخدام‌های جدیدی دست خواهند زد. بودجه‌هایشان افزایش خواهد یافت زیرا که مدت‌هاست معلمان و کارگران و پرستاران و فارغ‌التحصیلان و دانشگاهیان و دیگران و کلیه آنانی که در گردش سرمایه سهمی ندارند به جان آمده و اعتراضات هر روزه را دامن می‌زنند. پس چاره‌ای جز گسترش تنش و در مقابل برخوردهای سرکوبگرانه و زندان و تعقیب نیست.

اکنون چاره کار در چیست ؟

آیا کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران که در این توافقات و همکاری‌های بخش‌های مختلف نظام سرمایه داری هیچ جایگاهی ندارند، چاره ای جز و حدت و همبستگی و ایجاد تشکل‌های سرتاسری برای دفاع از منافع خود دارند . توافق حتمی است زیرا که توافقی برای گسترش استثمار و تداوم سرکوب است. اما تقابل چگونه باید باشد. این امری است بر گردن فعالان کارگری و اجتماعی. آنان که در برابر نظام سرمایه‌داری همانند موش اند و هر روز يك امتیاز می‌دهند تا بر اریکه قدرت باقی بمانند و بر ثروت حکومت کنند، آنگاه که به کارگران و زحمتکشان می‌رسند همانند شیر درنده ای بر خورد می‌کنند که گویا سرزمینی را فتح کرده اند.

هر چه در برابر نظام سرمایه داری بیشتر عقب می‌نشینند فشار را بر کارگران و فعالان کارگری بیشتر می‌کنند و حلقه را بر زندگی مردم تنگ تر. فعالان کارگری را روانه زندان‌ها می‌کنند و احکام سنگین زندان و شلاق برایشان می‌برند و زندگی خصوصی آنان را تحت کنترل در می‌آورند تلفون‌هایشان را کنترل می‌کنند جلساتشان را زیر نظر می‌گیرند و ده‌ها مأمور امنیتی را مراقب اعمال آنها می‌کنند تا مبدا به بی حقوقی کارگران و زحمتکشان و معلمان و پرستاران و سایر مردم تحت ستم اعتراض شود. آنها هیچ چیز به جز تملق و چاپلوسی در برابر سرمایه‌ها نمی‌شناسند. خودشان باید در برابر سرمایه مسلط کرنش کنند و البته که به باور آنها کارگران و زحمتکشان وظیفه‌شان کرنش در برابر سرمایه است و در غیر این صورت مستحق مجازات، پی‌گیری و تجسس در زندگی خصوصی و شخصی‌شان هستند. از همین جا است که کارگران و زحمتکشان چاره ای جز گسترش همبستگی و ایجاد تشکل‌های سراسری برای دفاع از حقوق از دست رفته و زندگی تحت ستمشان ندارند .

<http://www.kanoonm.com/1902#more-1902>